عیاران چه کسانی بودند؟

عیاران گروهی از جوان مردان بودند که اصول اخلاقی و مبارزاتی ویژه ای برگزیده و جوان مردی را پیشه ی خود ساخته بودند. پیشینه ی تاریخی عیاران را باید در ایران پیش از اسلام جستجو کرد. آن چه در فرهنگ ها درباره ی واژه ی عیار نوشته شده است. حاکی از آن است که این واژه در بر گیرنده ی مفهوم چالاکی و شجاعت و جوان مردی است .

مرحوم ملک الشعرای بهار اعتقاد داشته است ،که لفظ عیار همان «ای یار » فارسی است. برخی نیز واژه ی عیار را مترادف دزد، طرار و شبرو دانسته اند. اگر چه این نام ها از سوی مخالفان آن ها به آن ها داده شده است .از منابع بسیار مهمی که درباره ی عیاران آگاهی های گران سنگی در اختیار ما می گذارد،«قابوسنامه ی عنصر المعالی» و «سمک عیار » می باشد.

اصل و ریشه ی جوان مردی از دیدگاه عیاران سه چیز بود : یکی آن که هر چه بگویی بکنی و دیگر آن که خلاف راست نگویی و سوم آن که شکیب را کار بندی .

«نجم دایه» در «مرصاد العباد» عیاری را یکی از مراحل سیر و سلوک شمرده است و حافظ و مولانا و عطار خصایل عیاران را ستوده اند.

اعتقادات عیاران:

اصول عملی که عیاران در طول زندگی به کار می گرفتند عبارت بود از: رازداری، راست گویی ، یاری درماندگان، عفت، فداکاری، بی نیازی، دوستِ دوست بودن و دشمنِ دشمن بودن ، پیمان داری، سوگند نشکستن ، غمازی نکردن، گشاده دستی ، بی باکی و دلیری و حرمت نان و نمک را نگه داشتن.

نمک شناسی در نزد عیاران:

در اینجا داستانی از ماجرای لیث عیار در مورد نمک شناسی عیاران نقل می شود : لیث پدر یعقوب شبی نقبی زد و به خزانه حاکم رفت و زر و جواهر بی شمار به هم بست به وقت بیرون آمدن پایش به چیزی خورد پنداشت گوهری است برداشته و جهت امتحان به زبان زد و آن خود نمک نیشابور بود آنگاه او را رعایت حق نمک بر گرفتن اموال غالب آمد ، آن چه در هم بسته بود گذاشته و به منزل رفت . روز بعد خزانه دار متوجه شد که خزانه دستبرد یافته ولی چیزی برده نشده است. در شهر منادی کردند که آن کس که چنین کرده ایمن است،به ملازمت بشتابد لیث به دربار رفت و زمانی که خزانه دار از وی سبب را پرسید، در جواب گفت: رعایت حق نمک مرا از تصرف در آن مانع آمد.